

در ویرایش «تاریخ کمون ۱۸۷۱»، اثر لیساگاره

عباس فرد

یکشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۸

دو بار تشکر و تصحیح یک اشتباه

در ویرایش «تاریخ کمون ۱۸۷۱»، اثر لیساگاره

در صفحه‌ی ۱۳ کتاب «تاریخ کمون ۱۸۷۱» - اثر لیساگاره، ترجمه‌ی بیژن هیرمن پور- پارگرافی از من به‌عنوان «توضیحات ویراستار فارسی» وجود دارد که اشتباهاً به‌جای **ا. ژ. لوبوفسکایا**، از **دونایفسکایا** نام برده‌ام. ضمن پوزش از خوانندگان این کتاب، لازم به‌یادآوری است که **ا. ژ. لوبوفسکایا** همان کسی است که تألیف کتاب کمون پاریس ترجمه‌ی محمد قاضی- زیر نظر او انجام گرفته است؛ و دونایفسکایا شخصیت دیگری است که من آشنایی چندانی با افکار و آثارش ندارم. به‌هرروی، از طریق این یادداشت اشتباه فوق را تصحیح می‌کنم؛ و از آقای ناصر برین نیز تشکر می‌کنم که این اشتباه را (گرچه به‌شيوه‌ای غیرمعمول و بغرنج) زیر تیتیر «در حاشیه»، در ویرایش مشترک مقاله‌ای به‌نام «دو مقاله از: رایا دونایفسکایا» تصحیح کرده‌اند.

در پاسخ به‌توصیه آقای برین که «بهتر بود آقای عباس فرد قبل از این که به‌ویرایش کتاب [لیساگاره] پردازد، هم با رایا دونایفسکایا از طریق آثارش و هم با اثر مشترک **ا. ژ. لوبوفسکایا** با همکارانش به‌نام «**کمون پاریس ۱۸۷۱**» آشنا شده و قبل از اظهار نظر، **به‌ویرایش ذهن خود می‌پرداخت** و شایسته‌تر این‌که آقای هیرمن پور نیز پیش از آن‌که کتاب را به‌چاپ رساند، **ویرایش آقای عباس فرد را ویراستاری می‌کرد تا...**» [تأکیدها از من است]؛ سه نکته را یادآور می‌شوم:

الف) گرچه خود آقای برین از نزدیک و به‌طور دقیق می‌داند که یکی از دلایل انتشار دوباره‌ی کمون پاریس (ترجمه‌ی آقای قاضی) توسط انتشارات آلفابت ماکزیمیا تأکیدات من بود؛ و هنوز هم اثر ذهن «پیشا ویرایش» شده‌ام، به‌عنوان یادداشت ناشر در پشت این کتاب وجود دارد؛ اما باز هم یک بار دیگر (یعنی برای چهارمین بار) این کتاب را خواهم خواند.

ب) به‌منظور حذف ذهن پیشا ویرایش شده‌ی عباس فرد (که به‌نظر آقای برین جلوه‌ی آفتاب حقیقت را در پشت فضای ابرآلوده خود می‌پوشاند) عین جملات او را برای بیژن هیرمن پور خواندم و برایش میل کردم.

پ) اگر در میان دویدن‌ها و کارهای جاری و ضروری‌تر فرصتی پیدا کردم، حتماً خودم را از نوشته‌های رایا دونایفسکایا نیز محظوظ و مسعود خواهم کرد و به‌ویرایش ذهن خویش می‌نشینم. این استراحت برای هیچ آدم دونده‌ی زیان ندارد. اما خواننده‌ی بی‌غرض خود- درخواهد یافت که اشاره‌ی من در آن توضیحات نه انتقادی به **ا. ژ. لوبوفسکایا** مؤلف کتاب کمون پاریس، بل انتقادی به‌فرهنگ مسلط پروروسی در چپ ایران بود که عادت کرده

است، دنیا را با عینک سوسیالیسم روسی و اخلاف آن ببیند. خوب بود آقای برین نیز. این را می‌گفت که آیا در این انتقاد شریک است یا نه.

به هر صورت، باز هم از آقای ناصر برین تشکر می‌کنم که اشتباه سهواً رخ داده‌ی من را (که اصطلاحاً اشتباه اُپی می‌نامند) تصیح کردند؛ و متقابلاً از وی سؤال می‌کنم که آیا بهتر نبود که به جای صرف این همه نیرو، با یکی از اطرافیان من (یک دوست و دو نفر از بستگانم) که ایشان با آن‌ها ارتباط دارد، تماس تلفنی می‌گرفتند و این اشتباه را یادآور می‌شدند؟ بالین وجود، از آن‌جاکه انتقاد کردن (حتی به شکل غیرمعمول و بعرض آن) بهتر از انتقاد نکردن است، باز هم از آقای برین تشکر می‌کنم و از دیگر خوانندگان هم خواهش می‌کنم (به هر طریقی که صلاح می‌دانند) ما را از انتقادات خود محروم نکنند. این خواهشی است که در آخرین پاراگراف «توضیحات ویراستار فارسی» نیز آمده است.

در پایان از سایت افق روشن نیز تشکر می‌کنم که لینک کتاب ایساگاره را یکبار دیگر در زیر نوشته‌ی آقای برین آوردند تا امکان تحقیق برای خوانندگان ساده‌تر باشد.

عباس فرد - سوم مه ۲۰۰۹ - هلند